

تاریخ‌نگاری مدیریت آموزشی در ترازوی نقادی

آرش رسته‌مقدم^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۱

چکیده

تطور و تکامل مفاهیم و نظریه‌های علمی در درازای تاریخ صورت می‌گیرد. مدیریت آموزشی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی از این امر مستثنا نیست؛ بنابراین، فهم فرازوفرودهای مفهومی این حوزه نیازمند نگرستن به آن به‌مثابه امری تاریخی است. هدف مقاله حاضر، مطالعه نگاشت تاریخی مدیریت آموزشی از مجرای کنکاش نقادانه کتاب «تاریخ مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی» بوده است. به‌منظور دستیابی به هدف فوق با کاربست روش نقد، کتاب از جنبه بیرونی و درونی، بررسی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که کتاب مذکور باوجود برخورداری از ویژگی‌های مثبت، در پاسخ به پرسش‌ها و اهداف مدنظر دچار کاستی‌هایی بوده و به‌طور بایسته نتوانسته است شمایل کاملی از تاریخ مدیریت آموزشی را به تصویر بکشد. مقاله با استخراج درس‌آموزی‌هایی به‌منظور خوشه‌چینی پژوهشگران داخل کشور از میراث جهانی این حوزه خاتمه یافته است.

واژه‌های کلیدی: آموزش، تاریخ مدیریت رهبری آموزشی، کتب درسی، مدیریت مدرسه

۱. دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) Arasteh59@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه و ترویج دانش، مهیا بودن فضای نقداست که از مجرای آن، نقاط قوت و ضعف یک اثر مشخص می‌گردد. به لحاظ انگاره‌های نظری، این‌گونه نقدها که به پدیده موردنظر در پیوستار (نه سفید و نه سیاه بلکه خاکستری) می‌نگرند، در پارادایم آشوب و پیچیدگی قرار دارد و رویکرد مناسبی برای نقادی در حوزه علوم انسانی است (حسینی و کشاورزی، ۱۳۹۶). البته نقد یک کتاب یا اثر فراتر از بیان نقاط مثبت و منفی آن است. در نقد لازم است، روایتی بیش از آنچه در متن کتاب وجود دارد، ارائه گردد و به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی اثر و همچنین مفروضات حاکم بر آن توجه شود. در واقع، آنچه در نقد اصیل مدنظر است، ارزیابی موشکافانه میزان تحقق اهداف کتاب بر مبنای شواهد متقن است تا از این رهگذر کاستی‌ها و راستی‌های اثر هویدا شود.

نقادی نیازمند فضا و ابزارهایی از جمله: «اجتماع علمی» و «نشریه‌های علمی» است. اجتماع علمی از مفاهیم کلیدی در حوزه «جامعه‌شناسی معرفت/علم» است و دلالت بر کنش‌های پژوهش‌گران و اندیشمندان در آن حوزه علمی دارد. از مجرای اجتماع علمی، امکان تعامل بین‌الذہانی حاصل و فضای تولید، توزیع و نقد دانش تسهیل می‌شود. نشریه‌های علمی نیز آوردگاه گفت‌و شنود پژوهش‌گران در عرصه‌های دانشی و پژوهشی مختلف است. به بیان دیگر، نشریه‌ها، ابزار انتقال، توزیع و تضارب آراء را فراهم می‌آورند.

حوزه مدیریت آموزشی در ازنای تاریخ نه‌چندان کوتاه خود از ابزارهای مذکور بهره برده است. به‌عنوان نمونه، مطلع برپا سازی اجتماع علمی در حوزه مدیریت آموزشی تشکیل «انجمن آمریکایی مدیران مدارس»^۱ در سال ۱۸۳۵ است که به حوزه عمل توجه دارد. نقطه عطف شکل‌گیری اجتماع علمی در حوزه مدیریت آموزشی، ایجاد «شورای دانشگاهی مدیریت آموزشی»^۲ و «شورای ملی استادان مدیریت آموزشی»^۳ در خلال دوره «نهضت نظریه»^۴ است که بیش‌تر بر جنبه‌های نظری و مفهومی مدیریت آموزشی توجه داشته است.

-
1. American Association of School Administrators (AASA)
 2. University Council for Educational Administration UCEA
 3. National Council of Professors of Educational Administration (NCPEA)
 4. Theory movement

از سوی دیگر، قدیمی‌ترین نشریه آموزش و پرورش «نامه/سیاهه کالج معلمان»^۱ از سال ۱۹۰۰ تاکنون مقاله‌های مدیریت آموزشی را منتشر می‌نماید و در حال حاضر نیز نشریه‌های متعددی با رویکرد انتقادی، تاریخی، فلسفی به انتشار مقاله‌های مدیریت آموزشی مبادرت می‌ورزند (رسته مقدم، ۱۳۹۶). از جمله دستاوردهای موارد فوق می‌توان به پیوند حوزه تفکر و عمل، شکل‌گیری پدیده «مهاجرت رشته‌ای» در مدیریت آموزشی و رویارویی گفتمان‌های رقیب اشاره کرد.

با وجود پیشینه فوق، مدیریت آموزشی در ایران به‌ندرت از نشریه‌هایی با رویکرد نقادانه و نیز از اجتماع علمی فعال، بهره‌مند بوده است. به‌عنوان نمونه، جستجو در پایگاه‌های معتبر علوم انسانی (مگیران، علم‌نت، نورمگز و پایگاه علمی جهاد دانشگاهی) نشان می‌دهد، تاکنون مقاله‌ای با مضمون «نقد و بررسی» در این حوزه نگارش نشده است. حتی در «فصلنامه نقد کتاب اخلاق علوم تربیتی و روان‌شناسی» که تنها نشریه‌ای است که به نقد علوم تربیتی و روان‌شناسی اختصاص دارد؛ تا حالا نقدی در باب آثار مدیریت آموزشی منتشر نشده است. با وجود این، «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» به بررسی و نقد آثار علوم تربیتی و مدیریت آموزشی اهتمام ورزیده و نتایج در ماه‌نامه تخصصی «پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی» و کتاب‌های «نقدنامه علوم تربیتی» و «نقد در تراز جهانی» منتشر شده است.

در نقد و ارزیابی مطالعات فوق ذکر چند نکته قابل‌اعتناء است. نخست، مبنای روش‌شناسی نقدهای مذکور بر پایه سیاهه (چک‌لیست) یکسان و به صورت کلیشه‌ای است. به‌طوری‌که در بیش‌تر نقدها به ذکر عبارت‌های کلی و مبهم بسنده شده است. دوم، بر مبنای یافته‌های پژوهش حسینی (۱۳۹۶) نقدهای مذکور در فرآیند داوری دچار آسیب‌های ساختاری هستند. افزون بر این، برخی از نقدها از جمله: عبداللهی (۱۳۹۲) در حد گزارش و ذکر محاسن کتاب توسط مترجم کتاب هست. البته در این‌بین، اندک نوشتارهایی از جمله: زین‌آبادی و بابان‌آبادی (۱۳۹۶) و بابان‌آبادی، زین‌آبادی و عبداللهی (۱۳۹۶) با رویکرد

تحصل‌گرایی و کاربست پرسشنامه به نقد آثار صاحب‌نظران مدیریت آموزشی از جمله: کتاب‌های «مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی» و «مقدمات مدیریت آموزشی» تألیف «علی علاقه‌بند» پرداخته‌اند. اعتبار این قبیل مطالعات از دو جنبه محل تردید است. نخست این که بین سطح علمی ناقدان (دانش‌جویان) با نویسنده کتاب فرسنگ‌ها فاصله وجود دارد. افزون بر این، نقد روش‌مند، نیازمند ارائه استدلال‌های متقن و شواهد قابل دفاع توسط منتقدین است؛ حال آن که در مطالعات فوق، به توصیف و نظرسنجی دیدگاه ناقدان در قالب جداول و نمودارهای آماری بسنده شده است.

از سوی دیگر، کورسوی امیدی که در زمینه شکل‌گیری اجتماع علمی در حوزه مدیریت آموزشی و ایجاد فضای نقادی با تصویب اساسنامه «انجمن مدیریت آموزشی ایران» در سال ۱۳۸۹ شکل گرفته بود، تاکنون چندان بارقه و تلالویی به ارمغان نداشته است. عمده فعالیت‌های انجمن مذکور به تأسیس شعب استانی، انتشار «دو فصلنامه مدیریت بر آموزش سازمان‌ها»، حمایت از همایش‌ها و کنفرانس‌های مرتبط و نامرتبط! صدور بیانیه تبریک و تسلیت به مناسبت‌های مختلف، محدود شده است. ارزش‌مندترین اقدام انجمن، پیشنهاد تدوین «دانشنامه مدیریت آموزشی» و برگزاری اولین «همایش مدیریت آموزشی در نظر و عمل» در سال ۱۳۸۹ بوده که تا این دم نتایج آن به ثمر ننشسته است.

جملگی شواهد فوق نشان از ضعف مؤلفه‌های نقدپروری و قلت مطالعات نقادانه در حوزه مدیریت آموزشی دارد. اهمیت و نوآوری مقاله حاضر از این‌روست که با اتخاذ رویکردی روش‌مند، طلعه‌دار خیزش نهضت نقدنویسی در حوزه مدیریت آموزشی است. در ضرورت نداشت مطالعات تاریخی در حوزه مدیریت آموزشی همین بس که «تاریخ‌نادانی» از سیر تحولات نظری مدیریت آموزشی منجر به وضعیت حسیض‌وار مدیریت در نظام آموزش و پرورش شده است (عباس‌پور، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، تحلیل گفتمان‌های حاکم بر مدیریت در نظام آموزش و پرورش ایران (الوانی و صباغی، ۱۳۹۷) و تدقیق در برخی از سیاست‌ها از جمله طرح «تعالی مدرسه» (بنی‌اسد، حسینقلی‌زاده و امین‌خندقی، ۱۳۹۷) نشان می‌دهد، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی به فهم تاریخی از این حوزه و درس‌آموزی از

یافته‌های فراملی نیاز دارند. بنابراین، ضرورت نگارش نوشتارهایی از این دست نه تنها پوشیده نیست بلکه به شدت احساس می‌گردد.

بر پایه موارد فوق، مقاله حاضر به نقد متن برگردان کتاب «تاریخ مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی»^۱ پرداخته است. پیشینه‌آشنایی نویسنده با کتاب مذکور^۲ به زمانی برمی‌گردد که دغدغه فهم تاریخ و سیر تحول مفهومی حوزه مدیریت آموزشی وی را به سوی نگارش رساله‌ای با عنوان «ترسیم نقشه علمی مدیریت آموزشی در مقیاس جهانی» رهنمون ساخت. اقبال یار شد و از حسن اتفاق در مجالی کوتاه کتاب ترجمه^۳ و به بازار عرضه گردید. از این رو، با توجه به مطالب کتاب در عرصه تاریخ‌نگاری حوزه مدیریت آموزشی و نیز جدید بودن آن در زبان فارسی،^۴ فرصت غنیمت شمرده شد تا ضمن معرفی کتاب مذکور، به نقد آن نیز پرداخته شود. بر این اساس، هدف اصلی مقاله، پاسخ به این پرسش است که «تا چه اندازه کتاب توانسته در ترسیم تاریخ مدیریت آموزشی موفق عمل کند؟»

به منظور پاسخ به پرسش فوق از روش نقد استفاده شده است. این روش شامل مراحل از جمله، مطالعه دقیق و یادداشت‌برداری از متن، طرح سؤال، ذکر نقاط مثبت و منفی و جمع‌بندی است. بر این پایه، ساختار مقاله در چند بخش تنظیم شده است. در بخش اول، خلاصه‌ای از فصول کتاب معرفی شده است. بخش دوم، به خوانش انتقادی متن پرداخته و ابتدا به نقد بیرونی و سپس به نقد درونی اثر توجه شده است. در این بخش به اجمال به

1. Glass, T. E. (2004). The history of educational administration viewed through its textbooks: R&L Education

۲. تهیه نسخه انگلیسی کتاب را مرهون استاد گران‌قدر آقای «علی علاقه‌بند» هستم که مراتب احترام و سپاس را بجا می‌آورم.

۳. کتاب با عنوان «تاریخ مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی» توسط آقای «ناصر شیربگی» (دانشیار دانشگاه کردستان) ترجمه و نسخه‌ای از آن برای این جانب ارسال شد که به این وسیله از ایشان تشکر می‌گردد.

۴. به غیر از کتاب فوق، در کتاب ارزشمند زیر- که توسط استاد محترم آقای «سید محمد میرکمالی» ترجمه شده است، -فصلی در خصوص «تاریخ مدیریت آموزشی» وجود دارد.

• گلا دیس استایلز جانستون و کرول کمپ بیگی (۱۳۹۶) تحقیق و تفکر در نظریه مدیریت آموزشی. ترجمه سید محمد میرکمالی. تهران. انتشارات یسطرون.

نهضت‌های نظری مدیریت آموزشی اشاره و سعی شده تصویر نسبتاً کاملی از سیر تحولات نظری مدیریت آموزشی ارائه گردد. بخش سوم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد و تلاش شده به رهاورد کتاب مذکور برای پژوهشگران مدیریت آموزشی کشور اشاره شود. نگارنده، همت خویش را مصروف داشته تا به کمال و نقص اثر توأمان پردازد و محکوم به بی‌هنری نشود.^۱ باشد که ره به خطا نیموده^۲ و لختی کاستی‌ها را به راستی‌ها مبدل کرده.^۳ درنهایت، از آنجایی که مخاطب این نوشتار مشتاقان حوزه توسعه نظری مدیریت آموزشی می‌باشند، نویسنده چشم‌داشت آن دارد تا فرجام دسترنج وی با نقادی سایر اندیش‌ورزان، زمینه تلاقی افکار و اندیشه‌ها را سبب شود.

بخش اول: معرفی کتاب

کتاب «تاریخ مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی» که محتوای برگردان فارسی آن مطمع نظر است، نخستین بار توسط «توماس ای گلاس» و با مشارکت «رابرت ماسن»،^۴ «ویلیام ایتون»،^۵ «جیمز پارکر»^۶ و «فرد کارور»^۷ در سال ۱۹۸۶ در قالب پنج مقاله و جمع‌بندی توسط انتشارات «Intersatate» منتشر شد و تا سال ۱۹۹۰ به همان شکل اولیه چاپ می‌گردید. بعدها با توجه به تغییرات مهم دهه هشتاد و تأثیر آن بر حوزه مدیریت آموزشی، فصول دیگری بدان افزوده شد و در سال ۲۰۰۴ میلادی از طریق انتشارات «Scarecrow Education» در ۱۶۰ صفحه انتشار یافت. در چاپ جدید (۲۰۰۴) دو فصل (هفتم و هشتم) به کتاب افزوده شده است. بنابراین، شاکله کتاب دربرگیرنده، پیش‌گفتار، مقدمه (فصل اول)، فصول (شامل شش فصل)، جمع‌بندی (هشتم)، منابع، نمایه موضوعی و اعلام است. کتاب مذکور در سال ۱۳۹۷ با ترجمه «ناصر شیربگی» توسط نشر آثار معاصر در حجم ۲۰۴ صفحه به بازار روانه شده است.

۱. کمال سر محبت ببین نه نقص گناه که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند (حافظ)

۲. چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه‌ای جان من خطا اینجاست (حافظ)

۳. هم ترازو را ترازو راست کرد هم ترازو را ترازو کاست کرد (مولانا)

4. Robert Mason
5. William Eaton
6. James Parker
7. Fred Carver

فصول اول، ششم، هفتم و هشتم توسط «توماس ای گلاس» نگارش شده است. چهار فصل دیگر (دوم، سوم، چهارم و پنجم) مقاله‌هایی هستند که در سال ۱۹۷۸ توسط همکاران وی در «تورنتو»^۱ ارائه شده‌اند. نویسندگان کتاب از اعضای هیئت‌علمی مدیریت آموزشی دانشگاه «ایلینوی جنوبی»^۲ هستند. هدف از نگارش کتاب، پاسخ به سه پرسش عنوان شده است. ۱- آیا از مجرای بررسی آثار منتشرشده، امکان نگاشت تاریخ مدیریت آموزشی وجود دارد؟ ۲- آیا کتب منتشرشده از هماهنگی و هم‌راستایی جهت هدایت مدیریت آموزشی برخوردارند؟ ۳- کدام‌یک از آثار بیش‌ترین تأثیر را در مدیریت آموزشی داشته‌اند؟

فصل اول: مقدمه: یک حرفه نوین و پیشینه کتاب درسی جدید^۳

در این فصل، نویسندگان به «نهضت مدارس عمومی»^۴ در آمریکا به‌عنوان منشأ شکل‌گیری مدیریت آموزشی اشاره کرده‌اند و مواردی همچون، «رشد سریع شهرنشینی»، «افزایش تعداد معلمان» و «نیاز به برنامه‌های آماده‌سازی مدیران آموزش» را به‌عنوان عواملی که باعث تأسیس «کالج جورج پی‌بادی»^۵ و تدوین متون درسی در بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ شده است، ذکر کرده‌اند. در ادامه به انتشار کتاب‌های عمل‌گرایانه و تجربی توسط رؤسای مدارس و استادان تجربی مدیریت آموزشی و همچنین، تأثیر اصول تخصص‌گرایی مدیریت علمی «فردریک وینسلور تیلور»^۶ بر مدارس متوسطه آمریکا طی دهه‌های بیست تا سی میلادی توجه کرده‌اند. به باور آن‌ها، در محتوای کتاب‌های این دوره، بیش‌تر بر ارزش‌های اخلاقی پروتستان، فضیلت و سخت‌کوشی تأکید بوده است. با ظهور تفکرات

1. Toronto

2. Southern Illinois University (SIU)

3. Introduction: A new profession and a new textbook literature

4. Common Schools Movement

- نهضت مذکور در اوایل قرن نوزدهم توسط هوراس مان (Horace Mann) در اعتراض به کیفیت آموزش و پرورش دولتی (public education) در ماساچوست مطرح شد.

Reese, W. J. (2011). *America's Public Schools: From the Common School to "No Child Left Behind"*: JHU Press.

5. George Peabody College

6. Frederick Winslow Taylor

اندیشمندانی همچون، «مری پارکر فالت»^۱، «لوترگیولیک»^۲ در کنار اندیشه‌های پیشرفت‌گرایانه «جان دیویی»^۳ زمینه‌های توجه بیش‌تر به تدریس و مدیریت آموزشی در دهه سی میلادی فراهم شد. با وجود این، همچنان انتشار کتاب‌های عمل‌محور که از غنای فلسفی چندانی برخوردار نیستند، غالب است.

نویسندگان به روند شکل‌گیری «نهضت نظریه» و ورود دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) اشاره داشته‌اند. نهضت مذکور، با انجام پژوهش‌های مبتنی بر نظریه، به دنبال تدوین نظریه‌های منحصربه‌فرد و کسب مشروعیت علمی در مدیریت آموزشی بوده است. در دهه هفتاد میلادی، مدیریت آموزشی به سوی حوزه عمومی گرایش بیش‌تری پیدا کرد و با آغاز دهه هشتاد، این حوزه تخصصی‌تر شد. در دهه نود، انتشار کتاب‌هایی در خصوص «استانداردهای حرفه‌ای مدیریت آموزشی»، یادآور بازگشت به کتاب‌های دهه بیست میلادی بود که در آن به بهترین عملکردها توجه می‌شد. در پایان این فصل، نگارندگان به مشکلات مربوط به استانداردسازی و حاکمیت تفکر یکسان‌نگری در مناطق مختلف (شهر و روستا) و به تبع آن، کم‌توجهی به نیازهای محلی اشاره کرده‌اند. به باور آن‌ها، کتاب‌های مدیریت آموزشی در دهه‌های اخیر، همانند سایر حوزه‌های علمی تحت تأثیر نظریه «انتقادی» و «پست‌مدرن» واقع شده‌اند؛ و در آینده نیز متأثر از پدیده تجاری‌شدن، انتظار ورود مفاهیمی از قبیل «مدیریت کیفیت جامع» و «سازمان یادگیرنده» در متون درسی این حوزه دور از انتظار نیست.

فصل دوم: از ایده به ایدئولوژی^۴ ۱۹۱۴-۱۸۲۰

در این فصل، به وضعیت آموزش و پرورش آمریکا، نقش معلمان و جایگاه مدیران مدارس توجه شده است. تا پیش از شکل‌گیری «نهضت مدارس عمومی» در سال ۱۸۴۰، به علت پایین بودن سطح سواد، معلمان از جایگاه قابل‌قبولی در نظام آموزش و پرورش آمریکا برخوردار نبوده‌اند. بر همین اساس، مدیران آموزشی، افزون بر امور مالی در سایر فعالیت‌های

1. Mary Parker Follett
2. Luther Gulick
3. John Dewey
4. From Idea to Ideology

مدرسه از قبیل نظارت بر معلمان و تجهیزات مدرسه دخالت داشتند. بازیگران اصلی این دوره، افرادی از جمله، «ویلیام پاین»^۱، «ساموئل هال»^۲، «ویلیام چنسلر»^۳، «دیوید پاچ»^۴، «پرستن سرچ»^۵، «ساموئل داتون»^۶ و «دیوید سندن»^۷ هستند. به باور «پاین»، مفهوم «مدیر منطقه»^۸ با «مدیر مدرسه»^۹ متفاوت است. مدیر مدرسه در ارتباط نزدیک با معلمان و تحت نظارت مدیر منطقه است. البته وی به مانند «پاچ»^{۱۰} دارای رویکرد «جنسیتی» در مدیریت بود و هر دو معتقد بودند: «مدیریت مدرسه، ماهیت مردانه؛ و تدریس، هویت زنانه دارد.»

«هال» (۱۸۲۹)، به پیوند مدرسه و اجتماع تأکید داشت و «پاچ» معتقد بود: «مشکلات انضباطی در مدرسه انعکاسی از اختلاف‌های موجود در جامعه و خانواده است.» «چنسلر» به شدت با کنترل مدرسه توسط دولت یا بازار (کسب و کار) مخالف بود. وی در کتاب‌های (۱۹۰۷-۱۹۱۵) بر نظم و ترتیب، توجه به مسائل مالی در مدرسه و قانونمندی تأکید داشت. به باور وی، منبع قدرت مدیر، الهی و آسمانی نیست بلکه قانون و مقامات به مدیر، اختیار می‌دهد. «سرچ»، در کتاب «مدرسه ایده‌آل»^{۱۱} (۱۹۰۱)، به تجارب عملی مدیران توجه کرد. «داتون»، در کتاب «مدیریت مدرسه»^{۱۲} (۱۹۰۳) و «داتون و سندن» در کتاب «مدیریت آموزش عمومی در ایالات متحده»^{۱۳} (۱۹۰۸) به تحقیقات تجربی، مسائل مالی، آمار و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش اشاره کردند. در مجموع، در این دوره، مدارس اجازه ندادند سرمایه‌داران و مقامات اقتصادی و سیاسی در امور مدرسه دخالت کنند. البته، مدیران بیش‌تر

-
1. William Payne
 2. Samuel Hall
 3. William Chancellor
 4. David Page
 5. Preston Search
 6. Samuel Dutton
 7. Samuel Dutton & David Snedden
 8. Superintendent
 9. Principal
 10. David Page
 11. Ideal School
 12. School Management
 13. The Administration of Public Education in the United States

از آن که به مدیریت مدارس پردازند به مدرسه‌داری (نگهداری مدرسه)^۱ مشغول بودند. از نکات مهم در کتب این دوره می‌توان به تأکید بر نظم، اخلاقیات و معنویات اشاره کرد. کتاب‌های این دوره در پنج گروه به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند.

۱. آثار اواسط قرن (از جمله آثار هال و پاچ) که بر پایه دیدگاه‌های موردپسند در قرن نوزدهم و باورهای اساسی از زندگی مطلوب مبتنی هستند.
۲. آثاری (از جمله سرچ و داتون) که مبتنی بر بهترین تجارب شخصی و شعور متعارف هستند.
۳. آثاری (از جمله چنسلر) که بر رویکرد «ایدئالیسم فلسفی» در مدیریت مدرسه تأکید دارند.
۴. کتاب‌هایی (از قبیل سرچ) که بر مدارس کودک محور مبتنی هستند.
۵. کتاب‌هایی (از جمله داتون و سیندن) که به جنبش علوم آموزشی توجه دارند.

فصل سوم: از ایدئولوژی به شعور متعارف^۲ ۱۹۳۳-۱۹۱۵

در این فصل، به آثار نویسندگانی از جمله: «چنسلر»، «داتون»، «سندن» و «الوود کابریلی»^۳ اشاره شده است. در بین آن‌ها «کابریلی» از نقش برجسته‌ای برخوردار است. اولین کتاب درسی معتبر در زمینه «مدیریت مدرسه» در سال ۱۹۰۳ توسط «داتون» تحت عنوان «مدیریت مدرسه، پیشنهادهای عملی مربوط به زندگی و رفتار در مدرسه»^۴ منتشر شد. این کتاب بر مبنای نقل قول (فاقد منبع) تدوین شده بود؛ اما برخلاف کتاب‌های پیشین، از اخلاق‌گرایی فاصله گرفت و به عصر تجدد و نقش‌های نظارتی و مدیریتی در مدرسه توجه داشت. دومین کتاب با عنوان «مدارسمان: نظارت و مدیریتشان»^۵ توسط «چنسلر» در سال ۱۹۰۴ منتشر گردید. «چنسلر» که خود، دستی در عمل داشت، معتقد بود، مدیران مدارس باید دست به قلم شوند. این کتاب، فاقد نقل قول و فهرست‌شناسی بود. وی برخلاف «پاین» و «پاچ» به

1. School keeping

2. From Ideology to Conventional Wisdom

3. Ellwood Cubberley

4. School Management: Practical Suggestions Concerning the Conduct and life of School

5. Our School: Their Administration and Supervision

حضور زنان در هیئت‌مدیره مدارس اعتقاد داشت. «داتون و سندن» در سال ۱۹۰۹ کتاب «مدیریت آموزش و پرورش دولتی در ایالات متحده»^۱ را منتشر کردند. کتاب مذکور دارای منبع، جدول و آمار بود و بر خلاف کتاب‌های پیشین به خصوصیات اعضای هیئت‌مدیره پرداخته بود. از دیگر ویژگی‌های کتاب می‌توان به «توصیفی بودن»، «برخوردار از ادبیات بسیار خشک» و «توجه به نیازهای منطقه‌ای» اشاره کرد. در سال ۱۹۱۳ کتاب «مدیریت آموزشی: مطالعات کمی»^۲ توسط «استرایر و ثورندایک»^۳ با تأکید بر مبنای عینی و عملی مدیریت مدارس منتشر شد. همچنین «کابری» کتاب‌های «مدیریت مدارس دولتی»^۴ و «مدیر و مدرسه‌اش»^۵ را به ترتیب در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۲۳ منتشر کرد. کتاب‌های «کابری» به علت «نظام‌مند بودن»، «سادگی»، «داشتن رویکرد تجویزی»، «توجه به هیئت‌مدیره»، «استفاده از نمودار، اشکال» و «طرح سؤال» از سایر کتاب‌ها متمایز بودند. وی در سال ۱۹۲۷ کتابی با عنوان «مدیریت مدارس ایالتی»^۶ منتشر کرد که در آن به سیر تحولات تاریخی و مسائل اختصاصی آموزش و پرورش توجه شده است. در این دوره، تعدادی از کتاب‌ها به مدیریت آموزشی در مناطق غیرشهری (روستا) پرداختند و از دهه بیست به بعد، توجه به موضوعاتی همچون، «قانون مدرسه»، «مباحث مالی»، «نظارت بر برنامه درسی و آموزشی»، زمینه‌ساز انتشار چندین کتاب از جمله: «مسائلی در مدیریت آموزشی»^۷ توسط «گنورک استرایر و انگهارد»^۸ و کتاب «مسائلی در مدیریت مدارس دولتی»^۹ توسط «اسکار وبر»^{۱۰} شد.

فصل چهارم: از شعور متعارف به مفهوم^{۱۱} ۱۹۳۴-۱۹۴۵

-
1. Administration of Public Education in the United States
 2. Educational Administration: Quantitative Studies
 3. Strayer & Thorndike
 4. Public School Administration
 5. The Principal & His School
 6. State School Administration
 7. Problems in Educational Administration
 8. George Strayer & Engelhard
 9. Problems in public School Administration
 10. Oscar Weber
 11. From Conventional Wisdom to Concept

در حالی که طی دهه‌های سی و چهل میلادی، دنیا شاهد پیشرفت‌های زیادی در برتری دولت‌های دموکراتیک علیه استبدادی بود، آمریکا، رکود اقتصادی شدیدی را تجربه می‌کرد. این وضعیت باعث شد تا اندیشمندانی همچون «جان دیویی»، «ویلیام کیل پاتریک»^۱ و «جورج اس کاونتس»^۲ به بازسازی اهداف آموزش و پرورش در آمریکا بپردازند؛ بنابراین، نگاه به نقش آموزش و پرورش به عنوان «نماینده جامعه» به سویی معطوف شد که آموزش و پرورش تغییردهنده جامعه است. روح حاکم بر این دوره، گذر از حاکمیت استبدادی و حرکت به سمت دموکراسی بود. بر همین اساس، در کتاب‌های مدیریت آموزشی بر مفاهیمی همچون، «همکاری»، «مشارکت» و «دموکراسی» تأکید شد.

«جسی نیولن»^۳ (۱۹۳۴) در کتاب «مدیریت آموزشی به مثابه خط‌مشی اجتماعی»^۴ فریاد بازسازی اهداف آموزش و مدرسه را برآورد. وی اولین شخصی بود که به جنبه‌های اجتماعی مدرسه توجه کرد. «داگرتی، جرمن و فیلیپس»^۵ (۱۹۳۶) در کتاب «مدیریت و سازمان مدرسه ابتدایی»،^۶ اجتماعی شدن و دموکراسی را غائب بزرگ نظام آموزش و پرورش قلمداد کردند. «کوپمن، میل و میسنر»^۷ (۱۹۴۳) در کتاب «دموکراسی در مدیریت مدرسه»^۸ تلاش کردند، دموکراسی را با الهام از نسخه «دیویی» در عمل معنا کنند. «کوک»^۹ (۱۹۳۹) در کتاب «نظر به معلمان به مثابه هستی‌های انسانی»^{۱۰} به ضرورت مشارکت معلمان توجه کرد.

با وجود موارد فوق، هنوز غلبه جنسیتی در حوزه مدیریت آموزشی وجود داشت و از جامعه زنان، تنها یک نفر به نام «آلیس میل»^{۱۱} در بین نویسندگان و یک نفر به نام «دنيس کوک»^{۱۲} در بین استادان «کالج جورج پی بادی» فعالیت داشتند. به‌طور کلی، در این دوره،

1. William Kilpatrick
2. George S Counts
3. Jesse Newlon
4. Educational Administration as Social Policy
5. Dougherty, Gorman & Phillips
6. Elementary School Organization and Management
7. Coopman, Miel & Minser
8. Democracy in School Administration
9. Cooke
10. Considering Teacher as Human Beings
11. Alice Miel
12. Dennis Cook

دو دیدگاه در باب وظایف مدیران مدرسه وجود داشت. دیدگاه اول که نماینده آن «نیولن» بود و به جنبه‌های اجتماعی آموزش و نظریه سیاسی دموکراتیک توجه داشت. دیدگاه دوم، متعلق به «داگلاس»^۱ بود و اعتقاد داشت: «مدیران باید به انجام امور داخلی مدرسه و نظارت آموزشی بپردازند.»

فصل پنجم: دوره بازگشت به بلاغت^۲ ۱۹۴۶-۱۹۵۵

این دوره، مقارن با اتمام جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری «سازمان ملل متحد» است. حوادث تلخ ناشی از جنگ، منجر شد تا جوامع بیش از پیش، به نقش اخلاق و دموکراسی توجه کنند. آنچه باعث شد، انتهای این دوره به سال ۱۹۵۴ ختم گردد، حکم «بروان»^۳ در برابر هیئت آموزش و پرورش بود. این امر به مثابه نقطه عطفی در تاریخ مدیریت آموزشی بود و باعث شد متون این حوزه به سوی علوم اجتماعی و رفتاری سوق پیدا کنند. در این دوره، دو رویداد مهم در عرصه مدیریت آموزشی رخ داد. نخست، توجه به مدیریت آزادمنشانه (دموکراتیک) و مدارس عام‌المنفعه؛ دوم، حرکت به سوی برپا سازی پایگاه نوین نظری که اشاره به شکل‌گیری «نهضت نظریه» و استفاده از دانش علوم اجتماعی و رفتاری در حوزه مدیریت آموزشی داشت.

یکی از چالش‌های این دوره، توجه هر چه بیشتر به دموکراتیک کردن مدارس و برآوردن نیازهای جامعه بود. طرح مفهوم دموکراسی در مدیریت آموزشی و زمامداری اجتماعی^۴ توسط «فاور»^۵ حاکی از توجه نظام آموزش و پرورش به جامعه بود. «والکسیت»^۶ (۱۹۵۲) نشان داد چگونه فلسفه دموکراتیک آموزش و پرورش قادر است در عمل معنایابی

1. Douglass

2. A Return to Rhetoric

3. Brown versus Board of Education

• حکم بروان در سال ۱۹۵۴ در یکی از دادگاه‌های آمریکا علیه اعمال تبعیض و تفکیک نژادی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش آمریکا صادر شد.

4. Social Statemanship

5. Kefaver

6. Valquist

شود. وی به تفاوت میان «مدیریت مدرسه»^۱ و «مدیریت آموزشی»^۲ توجه کرد. همچنین، آثار افرادی از جمله «مورت»^۳ (۱۹۴۶)، «سیرز»^۴ (۱۹۵۰)، «نایت»^۵ (۱۹۵۳)، «یاچ»^۶ (۱۹۴۹)، «پیتنگر»^۷ (۱۹۵۱)، «مولمن»^۸ (۱۹۵۱) و مهم‌تر از همه «کتاب سال انجمن آمریکایی مدیران مدارس»^۹ بود. در مجموع، کتب مذکور در بردارنده انگاره‌های آزادمنشانه بودند و تلاش داشتند به مدرسه در متن اجتماع نظر بورزند.

رویداد دوم، کنکاش تازه برای یافتن پایگاه نوین نظری بود. گرچه «هالیس مور»^{۱۰} از سال ۱۹۴۷ به‌عنوان تاریخی که آغازگر یک هیجان در مدیریت آموزشی است، یاد می‌کند، اما پژوهش «ایمیگارت»^{۱۱} (۱۹۵۷) نشان داد، بین محتوای کتاب‌های آخر این دوره با آثار اولیه تفاوت‌های اندکی وجود دارد. در واقع، در بیش‌تر این کتب، ایدئولوژی دموکراسی دنبال شده و شواهدی از جستجوی نوین دیده نشده است. بدون شک، نشانه‌های جستجوی تازه در این دوره را می‌توان در تشکیل «شورای ملی استادان مدیریت آموزشی»، حمایت «بنیاد کلارگ»^{۱۲} از پژوهش‌های مدیریت آموزشی و شکل‌گیری «انجمن آمریکایی مدیران مدارس» یافت. برآیند موارد مذکور، سبب‌ساز پیدایش سه واقعه مهم در مدیریت آموزشی تحت عنوان‌های «برنامه همیاری در مدیریت آموزشی»^{۱۳} در سال ۱۹۵۰-۱۹۵۱، ایجاد «کمیته پیشرفت مدیریت مدرسه»^{۱۴} در سال ۱۹۵۵ و «شورای دانشگاهی مدیریت آموزشی» در سال ۱۹۵۶ شد. جملگی رخدادهای، بشارت‌دهنده جنبش «نهضت نظریه» و راهیابی صاحب‌نظران علوم اجتماعی و رفتاری به حوزه مدیریت آموزشی بود. به‌طوری‌که بعد از سال ۱۹۵۴،

1. School Administration
2. Educational Administration
3. Mort
4. Sears
5. Knight
6. Yauch
7. Pittenger
8. Moehlman
9. American Association of School Administrators Yearbook
10. Hallis Moor
11. Immegart
12. Kellogg Foundation
13. Cooperative Program in Educational Administration (CPEA)
14. Committee for Advancement of School Administration (CASA)

کتاب‌های مدیریت آموزشی-بر خلاف کتب قبلی که بر پایه تجربه‌گرایی بودند، بر محور تفکرات علوم اجتماعی نگارش شدند.

فصل ششم: از واقعیت‌گرایی به نظریه؛ از هنر به علم^۱ ۱۹۵۵-۱۹۸۵

اندیشه گذر از عرصه عمل به حوزه تفکر، سبب تکاپوهایی جهت یافتن نظریه منحصربه‌فرد برای سازمان‌های آموزشی شد. در این دوره، تفکری که در صدد استخراج اصول مدرسه‌داری از کتاب مقدس و ارتدوکس سنتی بود، باطل و از اندیشه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی برای تولید نظریه استفاده شد. رشد «نهضت نظریه» مرهون اقداماتی از جمله، حمایت‌های «بنیاد کلارگ»، فعالیت‌های اعضای هیئت علمی «کالج جورج پی‌بادی»، فعالیت‌های «آندرو هالپین»^۲ (پدر نهضت نظریه مدیریت آموزشی) در دانشگاه «کلارمونت»^۳ و تلاش‌های «دانیل گریفیث» در «تربیت معلم»^۴ بود.

«دانیل گریفیث» از مجرای دو کتاب توانست تأثیر قابل توجهی بر «نهضت نظریه» بگذارد. کتاب نخست، تحت عنوان «پژوهش در مدیریت آموزشی»^۵ در سال ۱۹۵۹ و کتاب دوم، تحت عنوان «نظریه مدیریتی در آموزش و پرورش»^۶ در سال ۱۹۵۸ منتشر شد. کتاب اخیر شامل مجموعه مقالاتی بود که در اجلاس سال ۱۹۵۷ با حمایت «شورای دانشگاهی مدیریت آموزشی» و مرکز مدیریت «میدوست»^۷ در دانشگاه «شیکاگو» برگزار شده بود. «هالپین» نیز کتاب «نظریه و تحقیق در مدیریت»^۸ را در سال ۱۹۶۶ منتشر کرد که جنبه علمی (و نه عمومی) داشت و در راستای نظریه مدیریت آموزشی بود. در این کتاب بر نظریه و استفاده از ابزارهای علوم اجتماعی و رفتاری توجه شده بود.

-
1. Factualism to Theory, Art to Science
 2. Andrew Halpin
 3. Claremont University
 4. Teacher College
 5. Research in educational administration
 6. Administrative Theory in Education
 7. Midwest Administration Center
 8. Theory and Research in Administration

اولین کتابی که به نظریه و پژوهش علوم اجتماعی توجه کرد، کتاب «مدیریت آموزشی به‌عنوان فرآیند اجتماعی: نظریه، تحقیق و عمل»^۱ بود که توسط «گتزلز، لیفام و کمبل»^۲ نگارش و متأثر از نظریه نظام اجتماعی «گتزلز» بود. دومین کتاب که تا حد زیادی بسط کتاب «گتزلز، لیفام و کمبل» است، توسط «تامس سرجیوانی»^۳ و «فرد کارور»^۴ در سال ۱۹۷۳ با عنوان «مدیران اجرایی جدید مدرسه، یک نظریه مدیریت»^۵ نوشته شد. نویسنده، به‌خوبی از یافته‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در حوزه مدیریت آموزشی بهره برده بود اما به علت تأکید بیش از اندازه به سایر رشته‌ها، کمتر از مدیریت آموزشی سخن گفته است.

از دیگر کتاب‌های این دوره، مجموعه مقالاتی است که در سال ۱۹۷۵ توسط «ویلیام موناهان»^۶ ویرایش و در کتاب «ابعاد نظری مدیریت آموزشی»^۷ منتشر شد. در سال ۱۹۷۸ کتاب «رفتار انسانی در مدیریت آموزشی»^۸ توسط «کلارنس نیووال»^۹ منتشر شد. کتاب مذکور به رفتار انسانی در مدرسه تمرکز داشت و به‌صورت منسجم از نظریات مختلف بهره برده بود. «مارک هنسن»^{۱۰} در سال ۱۹۷۹ کتابی با عنوان «مدیریت آموزشی و رفتار سازمانی»^{۱۱} منتشر کرد که از محتوا و ساختار خوبی برخوردار بود. بهترین کتاب مبتنی بر نظریه در مدیریت آموزشی در سال ۱۹۸۲ توسط «وین هوی»^{۱۲} و «سیسیل میسکل»^{۱۳} تحت عنوان «مدیریت آموزشی: نظریه، تحقیق و عمل»^{۱۴} منتشر شد.

-
1. Educational administration as a social process: Theory, research, practice
 2. Getzels, Lipham & Campbell
 3. Thomas Sergiovanni
 4. Carver
 5. The new school executive: A theory of administration
 6. William Monahan
 7. Theoretical dimensions of educational administration
 8. Human behavior in educational administration
 9. Newell
 10. Mark Hanson
 11. Educational Administration and Organizational Behavior
 12. Wayne Hoy
 13. Cecil Miskel
 14. Educational administration: Theory, research, and practice

افزون بر کتاب‌های فوق که بر جنبه‌های نظری مدیریت آموزشی تأکید داشتند، بخشی از کتاب‌ها نیز به تشریح نظام آموزش و پرورش آمریکا با رویکرد توصیفی و کارشناسی پرداخته بودند که به منظور جلوگیری از اطاله مطالب از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

فصل هفتم: گریز از نظریه به اصلاحات،^۱ ۱۹۸۵-۲۰۰۰

انتشار گزارش «ملتی در خطر»^۲ توسط «کمیته ملی تعالی آموزش»^۳ در سال ۱۹۸۳ منجر به شکل‌گیری دوره اصلاحات در نظام آموزش و پرورش آمریکا شد. در این دوره، به مواردی از جمله «بالابردن کیفیت تحصیل»، «افزایش اثربخشی»، «پاسخ‌گویی آموزش عمومی در برابر جامعه»، «تأکید بر آزمون‌های استاندارد» توجه شد. تأثیرگذاری اصلاحات آموزشی با اندکی تأخیر در اوایل دهه نود میلادی در دانشکده‌های علوم تربیتی و گروه‌های مدیریت آموزشی هویدا شد و بر اصلاح روش تدریس و بهبود رهبری آموزشی مدیران مدرسه اثر گذاشت.

در سال ۱۹۸۹ «هیئت ملی خط‌مشی مدیریت آموزشی»^۴ که شامل نمایندگان «انجمن آمریکایی مدیران مدارس»، «شورای ملی استادان مدیریت آموزشی» و «شورای دانشگاهی مدیریت آموزشی» بود، کتابی با عنوان «بهبود آموزش مدیران آموزش: تمهیداتی برای اصلاح» منتشر کرد. این کتاب باهدف بهبود و آماده‌سازی مدیران مدارس نوشته شد. همچنین، «مارتا مک کرتی»^۵ و گئورگ کا» در واکنش به نهضت اصلاحات، کتاب «پیوستگی و دگرگونی: کرسی استادی رهبری آموزشی»^۶ را در سال ۱۹۹۷ با حمایت «انجمن مدیریت آموزشی» منتشر کردند. «گریفیث» در اجلاس سالانه همایش «انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا»^۷ در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت آموزشی: اصلاح PDQ یا RP»^۸ از جنبش نظری اصلاح‌طلبی که درصدد بهبود برنامه‌های آماده‌سازی و آموزش مدیران بود، دفاع کرد.

1. A Retreat from Theory in an Era of Reform

2. A nation at risk

3. National Commission on Excellence in Education

4. National Policy Board for Educational Administration

5. McCarthy

6. Continuity and change: The educational leadership professoriate

7. American Educational Research Association

8. Educational Administration: Reform PDQ or RIP

وی در نگارش مقاله مذکور از پژوهش «کالبرتسان»^۱ با عنوان «پرسش قرن در ارتباط با شالوده دانش مدیریت آموزشی»^۲ استفاده کرد و توانست بر کتب درسی این دوره اثرگذار باشد.

در مجموع، کتاب‌های دوره اصلاحات برخلاف دهه پنجاه تا هفتاد میلادی که بر مباحث نظری و علوم اجتماعی متکی بودند، بیش‌تر بر عمل‌گرایی و کمتر بر نظریه‌پردازی تأکید داشتند. همچنین، توجه به مطالعات خاص و استفاده از روش‌شناسی‌های موردی، تاریخ‌نگاری و قوم‌نگاری از دیگر ویژگی‌های این دوره است. از جمله کتاب‌های این دوره می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد.

کتاب «مدیریت آموزشی: نظریه، تحقیق و عمل» اثر «هوی و میسکل» (۱۹۹۶)، کتاب «مدیریت آموزشی: مفاهیم و عمل»^۳ اثر «فرد لاینبرگ»^۴ و آلن اورنستاین^۵ (۱۹۹۶)، کتاب «مدیریت آموزشی، علم انسانی»^۶ نوشته «فنویک انگلیش»^۷ (۱۹۹۲) کتاب «آموزش و پرورش، مدیریت و مشارکت»^۸ توسط «شری کیث و روبرت گرلینگ»^۹ (۱۹۹۱) که از برخی جهات، نسخه خلاصه‌شده کتاب «لاینبرگ و اورنستاین» است. کتاب «رفتار سازمانی در آموزش و پرورش»^{۱۰} توسط «رابرت اونز»^{۱۱} (۱۹۹۵) که شباهت زیادی به کتاب «هوی و میسکل» دارد. کتاب «مدیریت مدرسه معاصر»^{۱۲} توسط «تئودر کوالسکی و آلریج ریتزاگ»^{۱۳} (۱۹۹۳) که به‌طور مستقیم به اصلاح مدارس و نقش مدیران در راستای تغییر و اصلاحات اشاره دارد. کتاب «مقدمه‌ای بر مدیریت آموزشی از دیدگاه اجتماعی، قانونی و

-
1. Culbertson
 2. A century's quest for a knowledge base
 3. Educational administration: Concepts and practices
 4. Fred Lunenburg
 5. Allan Ornstein
 6. Educational administration: The human science
 7. Fenwick English
 8. Education, Management and Participation
 9. Keith and Girling
 10. Organizational Behavior in Education
 11. Robert Owens
 12. Contemporary School Administration
 13. Kowalski and Reitzug

اخلاقی»^۱ توسط «امیل هالر و کنث استریک»^۲ (۱۹۸۶). همچنین، در این دوره کتاب‌هایی با رویکرد مطالعه موردی منتشر شدند که به منظور جلوگیری از اطاله مطالب از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

فصل هشتم: بررسی اجمالی

این فصل دربرگیرنده مطالب فصول قبل است، بنابراین، از ذکر مطالب آن خودداری می‌شود.

جمع‌بندی بخش اول

محتوای کتاب‌های هر دوره، نشان‌دهنده ماهیت رویکرد حاکم بر جامعه، نوع نگاه به کارکرد مدرسه و نقش مدیر آموزشی است. با تأمل بر مطالب فصول کتاب، گفتمان و مفاهیم حاکم بر هر دوره در جدول خلاصه شده است.

جدول ۱. انتزاع مفاهیم حاکم بر فصول کتاب

ردیف	گفتمان حاکم	دوره زمانی	رویکرد و مفاهیم کلیدی هر دوره	نقش مدرسه	نقش مدیر آموزشی
۱	الهیات/اخلاق‌گرایی (تئولوژیسم)	قبل از ۱۸۴۰	سیطره کلیسا بر آپ، ایدئولوژی محور بودن آپ، توجه به اخلاق و ارزش‌های الهی و آسمانی در آپ	مدرسه به‌مثابه کلیسا (موزه‌های پرهیزکاری) ^۳	پدر آسمانی و راهنمای اخلاقی مدرسه و کلاس
۲	تجربه‌گرایی/عمل‌گرایی (پراگماتیسم)	۱۸۴۰-۱۹۱۴	تقدم تجربه بر اندیشه در آپ، انتشار متون درسی با رویکرد کتاب‌های آشپزی	مدرسه به‌مثابه حوزه عمل	مرد عمل
۳	مدیریت‌گرایی (ماتریالیسم)	۱۹۱۵-۱۹۳۳	حاکمیت مکتب مدیریت علمی بر آپ، تأکید بر کارآیی و تخصص	مدرسه به‌مثابه محل تولید (کارخانه)	پیشینه‌سازی بازده و افزایش کارآیی مدرسه

1. An Introduction to Educational Administration: Social, Legal and Ethical Perspective

2. Haller and Strike

۳. مفهوم مذکور از صفحه ۱۹ کتاب زیر اقتباس شده است.

- گلادیس استایلز جانستون و کرول کمپ بیگی (۱۳۹۶) تحقیق و نظریه در نظریه مدیریت آموزشی. ترجمه سید محمد میرکمالی. تهران. انتشارات یسپرون.

ردیف	گفتمان حاکم	دوره زمانی	رویکرد و مفاهیم کلیدی هر دوره	نقش مدرسه	نقش مدیر آموزشی
۴	اجتماع‌گرایی (سوسیالیسم)	۱۹۴۵-	تسلط اندیشه‌های دیویی بر آ.پ، توجه به نقش اجتماعات محلی، تأکید بر مفاهیم دموکراسی، همکاری، مشارکت	مدرسه به‌مثابه اجتماع	ایجاد فضای دموکراتیک در مدارس
		۱۹۳۴		دمکراتیک	
۵	تکنرگرای (پورالیسم)	۱۹۵۵-	تلفیقی از موضوعات دموکراسی، مدیریت علمی و روابط انسانی	مدرسه به‌مثابه مکان امتزاج افق‌ها	پذیرش و مدیریت تنوع
		۱۹۴۶			
۶	علم‌گرایی (پوزیتیویسم)	۱۹۸۵-	ظهور نهضت نظریه، ارجحیت نظر بر عمل، استقرار مفاهیم علوم اجتماعی و رفتاری، مهاجرت بین‌رشته‌ای، ایجاد انجمن‌های علمیم، آ، نظریه‌سازی با رویکرد تحصیل‌گرایی درم. آ	مدرسه به‌مثابه محل نظوروزی	فرآهم آوردن فضای مبتنی بر نظریه
		۱۹۵۵			
۷	اصلاح‌طلبی و حرفه‌ای‌گرایی (لیبرالیسم و رفرمیسم)	۲۰۰۰-	توجه به کیفیت و اثربخشی، بهبود تدریس و پیشرفت تحصیلی، ظهور استانداردهای حرفه‌ای، گسترش مطالعات موردی، افزایش کتاب‌های تخصصی و چندپاره شدنم. آ	مدرسه به‌مثابه لیگ (اتحادیه) مسابقه و رقابت	اصلاح و بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری
		۱۹۸۵			

همان‌طور که سیر مفاهیم در جدول فوق نشان می‌دهد، مدیریت آموزشی به‌مثابه یک حوزه علمی از تحولات فکری و فلسفی جامعه تأثیر پذیرفته و با گذر زمان از جنبه قدسی و مذهبی آن کاسته و به امر عرفی و قراردادی تبدیل شده است.

در جدول شماره (۲) خلاصه‌ای از اطلاعات مربوط به کتاب‌ها ارائه شده است. همان‌طور که در جدول مذکور مشخص است، در طی قریب به دو سده، تعداد هفتاد و چهار کتاب توسط همین تعداد نویسنده منتشر شده که به‌طور متوسط شامل تعداد سیزده کتاب در هر دوره است. تساوی تعداد نویسندگان و تعداد کتاب‌ها نشان می‌دهد، به‌طور میانگین، هر کتاب توسط یک نویسنده نگارش شده است؛ بنابراین، الگوی تک نویسنده‌گی بر تولیدات

مدیریت آموزشی حاکم بوده است. البته، تنها ۲۴ درصد از کتاب‌ها توسط دو نویسنده، و درصد توسط سه نویسنده نگارش شده‌اند. این واقعیت حکایت از مشارکت و تعامل ناچیز میان نویسندگان این حوزه دارد که با یافته‌های سایر مطالعات هم‌خوان است (رسته‌مقدم، ۱۳۹۵).

جدول ۲. داده‌های کتاب‌شناختی کتاب‌های درسی

ردیف	دوره زمانی	فاصله زمانی	تعداد کتاب	تک نویسنده	دو نویسنده	سه نویسنده
۱	۱۸۲۰-۱۹۱۴	۷۳	۱۰	۹	۱	-
۲	۱۹۱۵-۱۹۳۳	۱۸	۱۶	۱۱	۵	-
۳	۱۹۳۴-۱۹۴۵	۱۱	۱۱	۷	۳	۱
۴	۱۹۴۶-۱۹۵۵	۹	۱۱	۱۰	۱	-
۵	۱۹۵۵-۱۹۸۵	۳۰	۱۱	۴	۲	۵
۶	۱۹۸۵-۲۰۰۰	۱۵	۱۵	۶	۶	۳
جمع‌بندی	۱۸۰ سال		۷۴	۴۷	۱۸	۹
			تعداد کل نویسندگان ۷۴ نفر			

به نظر می‌رسد، افزایش مشارکت نویسندگان (هم نویسنده‌گی) به‌ویژه بعد از دوره پنجم (۱۹۸۵-۱۹۵۵) برآیند «نهیض نظریه» بوده که منجر به همکاری صاحب‌نظران علوم اجتماعی و رفتاری در نگارش کتب حوزه مدیریت آموزشی شده است.

بخش دوم: خوانش انتقادی کتاب

همان‌طور که در مقدمه مقاله ذکر شد، در این بخش ابتدا به نقد بیرونی و سپس به نقد درونی کتاب پرداخته می‌شود. در ارتباط با نقد بیرونی به مواردی از جمله، «خاستگاه کتاب»، «هدف و ماهیت کتاب»، «جایگاه کتاب در بین سایر آثار مشابه» و «میزان جلب توجه صاحب‌نظران به کتاب در عرصه جهانی» اشاره شده است.

کتاب مذکور برای اولین بار در کشور آمریکا منتشر شده، کشوری که فلسفه اقتصادی و اجتماعی آن بر مبنای سرمایه‌داری و عمل‌گرایی (پراگماتیسم) استوار است. اساس شکل‌گیری مدیریت آموزشی در آمریکا، برآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است.

به‌طور مشخص، به رسمیت شناختن مدیریت آموزشی در آمریکا، مدیون جنبش مدارس عمومی بوده که خود نیز برآیند رشد شهرنشینی و صنعتی شدن است. با توجه به ویژگی‌های بافتار اجتماعی و اقتصادی آمریکا، نویسندگان کتاب در آن مقطع زمانی معتقد بودند: افق پیش‌روی کتب مدیریت آموزشی از رویکردهای تجاری و بازاری متأثر خواهد شد که تا حد زیادی نیز این امر محقق شده است.

به لحاظ تاریخی، کتاب مذکور در دهه نود میلادی منتشر شده که افزایش حجم دانش مدیریت آموزشی به تراز قابل‌قبولی دست یافته بود. به‌طوری‌که پژوهش‌های متعددی باهدف ترسیم شالوده دانش مدیریت آموزشی صورت گرفتند؛ بنابراین، کتاب مذکور را می‌توان در چارچوب پژوهش‌هایی از نوع «سنترپژوهی» جای داد. مفهوم «سنترپژوهی» به‌عنوان یکی از چهار اقلیم دانش مدیریت آموزشی شناخته شده است (رسته‌مقدم، ۱۳۹۷).

به لحاظ علمی، دامنه مطالعاتی کتاب به بررسی کتب درسی مدیریت آموزشی محدود بوده و به سایر آثار پژوهشی (مقاله، گزارش و ...) توجه نشده است. همچنین، تاکنون در عرصه نشریه‌های تخصصی نقد و بررسی نشده است. از سوی دیگر، عدم تجدید چاپ کتاب - از زمان انتشار نسخه نخست آن در سال (۲۰۰۴) - تاکنون نشان می‌دهد، چندان موردتوجه پژوهشگران مدیریت آموزشی قرار نگرفته است. یافته‌های حاصل از نقشه علمی مدیریت آموزشی نیز حاکی از این است که کتاب در زمره منابع پر استناد نویسندگان مدیریت آموزشی نیست (رسته‌مقدم، ۱۳۹۶).

از منظر معیارهای نقد بیرونی، نقاط قوت کتاب مذکور در این است که برای اولین بار با رویکرد تاریخ‌نگاری به حوزه مدیریت آموزشی نگریده و توانسته آثار این حوزه را در دامنه زمانی نزدیک به دو سده پوشش دهد. همچنین، بهره‌گیری از استادان مجرب، داشتن نمایه نام‌ها، ذکر منابع در انتهای هر فصل و برخورداری از مقدمه و جمع‌بندی در ابتدا و انتهای کتاب از دیگر مزایای کتاب است.

از جنبه تطبیقی، لازم به اشاره است، تاکنون چندین پژوهش در ارتباط با کتاب‌شناسی مدیریت آموزشی صورت گرفته است (رسته‌مقدم، ۱۳۹۶) و آخرین آن پژوهشی است که تحت عنوان «بهترین بهترین‌ها: تأثیرگذارترین نوشتارهای بین‌المللی مدیریت آموزشی در

چهل سال اخیر^۱ منتشر شده است (English, Lumby, Papa, Samier, & Walker, 2009). در پژوهش مذکور، بهترین کتاب‌های مدیریت آموزشی به تفکیک هر قاره در چهار دهه اخیر میلادی تشریح شده‌اند. از منظر دیگر، شاید بتوان کتاب فعلی را متناظر با کتاب «پنجره‌های برنامه درسی: کتب برنامه درسی، هشتاد سال نخست»^۲ دانست که توسط «ویلیام شوبرت»^۳ در رشته برنامه درسی نوشته شده است. با این تفاوت که در کتاب «شوبرت» به بیش از ۳۰۰۰ کتاب در حوزه برنامه درسی به تفکیک هر دهه و با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، اشاره شده است و گستردگی مطالعه بسیار فراتر از کتاب موردنقد است.

قبل از پرداختن به نقد درونی کتاب، لازم به ذکر است که کتاب مذکور با هدف تدریس مبانی و اصول مدیریت آموزشی تدوین نشده است؛ بلکه گونه‌ای از کتاب‌های علمی-دانشگاهی است. از این رو، نمی‌توان و نباید بر پایه معیارهای مربوط به کتب درسی ارزیابی شود. در ادامه به نقد درونی کتاب پرداخته شده است.

در ارتباط با نقد درونی کتاب به دو جنبه «محتوایی» و «شکلی» توجه شده است. از منظر «محتوایی» به نقد «درون ساختاری» که شامل: «انسجام و تناسب بین حجم و وزن فصول»، «منطق تقدم و تأخر فصول»، «تبیین مفروضات معرفت‌شناختی و روش‌شناختی نویسندگان»، «میزان جامعیت نظری آن‌ها»، «میزان برخورداری کتاب از رویکرد فراملی» و «میزان به‌روزرسانی کتاب» است، توجه شده است.

در ارتباط با ترجمه کتاب، به نظر می‌رسد، برگرداندن فصل آخر کتاب به زبان فارسی به‌تنهایی می‌توانست محتوای سایر فصول را منتقل نماید و از بار زحمت مترجم بکاهد اما در مجموع، تلاش مترجم در برگرداندن کتابی درباره تاریخ مدیریت آموزشی که مسبوق به سابقه نبوده، ارزشمند، جسورانه و نوآورانه است. با توجه به تخصص و تجربه مترجم، متن کتاب از روانی و فهم‌قابل‌قبولی برخوردار است. با وجود این، درک برخی از عناوین از جمله

1. Best of the best: the most influential international writing in educational administration in the last forty years

2. Curriculum Windows: Curriculum Books the First Eighty Year

3. William H. Schubert

«نهضت مدارس عمومی» (فصل اول)، «حکم براون» (فصل پنجم)، نیازمند پاره‌ای توضیحات توسط مترجم در پانویس صفحات است.

همچنین، ترجمه برخی مفاهیم که در ادامه به آن اشاره شده است، نیازمند اصلاح است. عبارت «Conventional Wisdom» در فهرست مطالب، معادل «عقل سلیم» و در پیشگفتار به «حکمت صنعت گرا» ترجمه شده است. به نظر می‌رسد، ترجمه نخست، با محتوای کتاب تناسب بیشتری دارد و بهتر است در این خصوص یکسان‌سازی صورت گیرد. در خط ششم، بند دوم در صفحه ۳۲ نوشته شده است، «مدارس نگهداری می‌شدند» در صورتی که با توجه به محتوای جملات بعدی مشخص است که منظور از «نگهداری شدن» حاکی از رویکرد حاکم بر مدیریت مدارس است. به این معنی که در آن دوره، بیشتر «مدرسه‌داری» مطرح بوده، نه «مدیریت مدرسه». بنابراین، عبارت «مدرسه‌داری» که معادل "School Keeping" است، لازم است، جایگزین عبارت «مدارس نگهداری می‌شدند» بشود.

در صفحه ۶۵ کلمه «Superintendent» معادل «مدیریت» ترجمه شده است، درحالی که مفهوم مذکور به «مدیر منطقه» اشاره دارد. این موضوع در پانویس صفحه ۲۹ نیز نیاز به اصلاح دارد.

در پانویس صفحه ۴۳ به اشتباه به جای کلمه «Back» عبارت «Bach» نوشته شده است. در بخش‌های مختلف کتاب به تفاوت مفهومی دو کلمه «Administration» و «Management» توجه نشده است و در ترجمه هر دو از معادل «مدیریت» استفاده شده است. درحالی که بهتر بود برای کلمه اول معادل «نظام تدبیر» و برای کلمه دوم از معادل «مدیریت» استفاده شود.

در خصوص تعداد زیادی از کتاب‌های فصل هفتم، پانویس انگلیسی ذکر نشده است که لازم است اصلاح شود.

در ترجمه سه مفهوم «Common»، «Public»، «State» از عبارت «عمومی» استفاده شده است. حال آن که هر یک از عبارات فوق دارای بار معنایی متفاوتی هستند.

در بخش‌های مختلف کتاب از جمله صفحه ۳۴ عبارت «با این وجود» نوشته شده است که عبارت صحیح آن «با وجود این» است.

در صفحه ۳۳، کتاب‌های «پاگ» و «چنسلر» ذکر شده‌اند، در حالی که در فهرست کتب منتخب این دوره به موارد مذکور اشاره‌ای نشده است.

در صفحه ۲۱ لازم بود برای سازمان‌های مرتبط با مدیریت آموزشی از جمله: «انجمن ملی اساتید مدیریت آموزشی»، «شورای دانشگاهی مدیریت آموزشی»، «انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا» پانویس انگلیسی ذکر می‌شد. همچنین، بهتر بود در پانویس صفحه ۲۲ ابتدا عبارت کامل «ISLLC» و سپس خلاصه آن در داخل پرانتز قید می‌شد.

در انتهای پاراگراف صفحه ۲۴، فعل «است» به اشتباه در کنار فعل «نیست» قید شده است. در پانویس صفحه ۲۰ چند علامت پرسش به اشتباه تایپ شده است.

در ترجمه کتاب، نمایه اعلام حذف شده است که بهتر است درج شود.

با تأمل بر محتوای کتاب مشخص می‌گردد، ذهنیت نویسندگان کتاب بر این مفروضه استوار بوده که نگاهت تاریخ مدیریت آموزشی از مجرای کتاب‌های درسی، امری شدنی است. حال آن‌که تحولات تاریخی یک رشته صرفاً در کتاب درسی منعکس نمی‌گردند؛ بنابراین، کتاب‌های درسی به تنهایی قادر به ترسیم تاریخ یک رشته از جمله مدیریت آموزشی نیستند.

از دیگر مفروضات نویسندگان این بوده که تاریخ مدیریت آموزشی را منحصر به کشور آمریکا دانسته‌اند. البته خاستگاه مدیریت آموزشی به مانند سایر گرایش‌های علوم تربیتی در آمریکا است، اما محصور کردن تاریخ مدیریت آموزشی به آمریکا قابل پذیرش نیست. لازم به ذکر است، در خصوص تاریخ مدیریت آموزشی در آمریکا، کتابی تحت عنوان «مدیران فاضل، رهبری مدارس دولتی در آمریکا: ۱۸۲۰-۱۹۸۰»^۱ در سال ۱۹۸۲ منتشر شده که نویسندگان نیز به آن اشاره کرده‌اند متنها با وجود انتشار کتاب مذکور، مشخص نیست، نویسندگان به چه عللی مبادرت به چاپ کتاب خود نموده‌اند؟ به بیان دیگر، روشن نیست،

1. Tyack, D. B. & Hansot, E. (1982). *Managers of virtue: Public school leadership in America, 1820-1980*: Basic Books New York

کتاب آن‌ها از چه جنبه‌هایی بر کتاب پیشین برتری دارد و قرار است به کدام خلأها پاسخ دهد؟ به‌هرحال، پاسخ به پرسش مذکور از حاکمیت رویکرد آمریکا محوری و جهان‌شمول‌نبودن کتاب نخواهد کاست؛ بنابراین، کتاب تا حد زیادی فاقد ویژگی فراملی و جهان‌شمولی است. به عبارت دیگر، نویسندگان در بهترین حالت به ترسیم تاریخ مدیریت آموزشی در آمریکا و بر مبنای آنچه از نظر آن‌ها کتاب درسی بوده، مبادرت ورزیده‌اند؛ بنابراین، بهتر بود در عنوان کتاب به قلمرو جغرافیایی (آمریکا) پژوهش اشاره می‌شد.

یکی دیگر از کاستی‌های کتاب، ماهیت گذشته‌نگری آن است که تا حدودی عدم پویایی و بروز نبودن آن را به دنبال داشته است. در تأیید این مدعا، می‌توان به عدم اشاره نویسندگان به تحولات نظری مدیریت آموزشی بعد از سال ۲۰۰۰ اشاره کرد.

به لحاظ مفهوم، نویسندگان بین عبارت «مدیریت آموزشی» که در عنوان کتاب استفاده کرده‌اند با عبارت «مدیریت مدرسه» که در زیر عنوان هر فصل مطرح شده، هیچ‌گونه تمایزی قائل نشده‌اند و هر دو را به یک معنا به کار برده‌اند. حال آنکه مفاهیم مذکور دارای بار معنایی متفاوتی هستند.

از سوی دیگر، در ابتدای کتاب، در خصوص مفهوم «کتاب درسی» که نقش محوری در کتاب حاضر داشته، تعریف شفافی ارائه نشده است. گرچه نویسندگان در فصل ششم به معیارهایی همچون: «عمومی بودن کتاب»، «اتفاق آراء»، «پرفروش بودن» و «قضاوت شخصی» اشاره کرده‌اند، اما روشن نیست، آیا معیارهای مذکور در خصوص کلیه فصول صدق می‌کند یا تنها به فصل مذکور اختصاص دارد؟ در ضمن، معیارهای اشاره‌شده، خالی از عیب نیستند. به‌عنوان مثال، انتخاب کتاب‌های «هوی و میسکل» و «لانبرگ» که از کتب تخصصی مدیریت آموزشی هستند با معیار «عمومی بودن» همخوانی ندارند. از سوی دیگر، ماهیت مطالب بسیاری از کتاب‌ها جنبه توصیفی-کارشناسی دارد و از رویکرد نظری قابل‌اعتنایی برخوردار نیستند. همچنین، استفاده از قضاوت شخصی باعث سوگیری در انتخاب برخی کتاب‌ها شده است. درنهایت، این که شماری از کتاب‌ها به علل مختلف طی سال‌های طولانی مورد توجه و فروش قرار نگرفته‌اند؛ بنابراین، معیار فروش کتاب نمی‌تواند سنجه دقیقی برای قضاوت در خصوص اثرگذاری یک کتاب باشد.

به لحاظ روش‌شناسی، گرچه از فحوای کتاب تا حدودی پیداست که نوعی روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد در تدوین آن حاکم بوده است، اما در متن اثر هیچ‌گونه اشارتی به روش‌شناسی نشده است. همچنین، معیار شکل‌گیری دوره‌ها به لحاظ فواصل زمانی نامشخص است. نویسندگان تنها در فصل «شش» به اجمال به منطق حاکم بر دوره مذکور اشاره کرده‌اند و این موضوع در سایر فصول کتاب مغفول است. به بیان دیگر، معلوم نیست نویسندگان بر مبنای کدام معیار به طبقه‌بندی دوره‌های تاریخی با نوسان بین ۹ سال (مربوط به دوره چهارم) تا ۷۳ سال (مربوط به دوره اول) مبادرت ورزیده‌اند؟

از منظر کیفیت و هم‌سنگ بودن، بین فصول کتاب تفاوت‌های چشمگیری به لحاظ کمی و کیفی وجود دارد. به عنوان مثال، فصول اول و پنجم با تعداد ۱۶ صفحه، کمترین و فصول چهارم و ششم به ترتیب با تعداد ۳۴ و ۳۰ صفحه (با حجم تقریباً دو برابر) بیشترین حجم را به خود اختصاص داده‌اند.

از نظر معیار کیفیت، تفاوت بین فصول قابل ملاحظه‌اند. به عنوان نمونه، مطالب در فصول ششم (نهضت نظریه) و هفتم (نهضت اصلاحات) به تفصیل بیان شده‌اند. همچنین، در این فصول به سیر تحول متون درسی در پیوند با تحولات سیاسی اجتماعی به خوبی پرداخته شده و تا حدودی به نقد کتاب‌های این دوره نیز اشاره شده است، در حالی که رویکرد حاکم بر سایر فصول، توصیفی و فاقد نگاه تحلیلی-انتقادی بوده است.

به لحاظ انسجام و پیوستگی مطالب، بین فصل‌های کتاب کاستی‌هایی وجود دارد. به عنوان نمونه، در فصل اول به اندیشه‌های «تیلور»، «فالت» و رویکردهای انتقادی و پست‌مدرن اشاره شده اما در ادامه به چگونگی تأثیرگذاری این افراد و نحله‌های نظری مذکور بر کتاب‌های حوزه مدیریت آموزشی توجه نشده است. همچنین، علت انتخاب و یا تکرار برخی از کتاب‌ها در سایر فصول مبهم است. به عنوان مثال، مشخص نیست به چه علت در فصل دوم به کتاب^۱ «کیمبل وایز»^۲ که یکی از کتاب‌های مطرح با رویکرد عمل‌گرایی

۱. کتاب مذکور با عنوان «مدیریت و رهبری آموزشی» توسط استاد پیشکسوت «محمدعلی طوسی» در دهه هفتاد ترجمه و روانه بازار شده است.

است، اشاره نشده است؟ یا برعکس، در فصل چهارم (صفحه ۷۰) به کتاب «فردریک ای. فورد» با عنوان «برنامه آموزشی: سازمان‌دهی و مدیریت آن» اشاره شده که با رویکرد این فصل ارتباطی ندارد.

در فصل هفتم به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی شکل‌گیری «نهضت اصلاحات» توجه شده اما به دلایل نامعلوم به کتاب‌های مهم این نهضت از جمله آثار، «سامونز»،^۱ «دیوید هاپکینز»^۲ و «دیوید رینولدز»^۳ پرداخته نشده است. لازم به ذکر است، آثار افراد مذکور سبب شکل‌گیری خوشه علمی تحت عنوان «اصلاحات و اثربخشی مدارس» در نقشه علمی مدیریت آموزشی در تراز جهانی شده است (رسته‌مقدم، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷). همچنین، در این فصل، علت ذکر کتاب‌های افرادی از جمله «هوی و میسکل»، «لانبرگ»، «آونز» که متعلق به «نهضت نظریه» می‌باشند، مشخص نیست.

افزون بر موارد فوق، به برخی از نهضت‌های نظری که بر حوزه مدیریت آموزشی اثرگذار بوده‌اند، توجه نشده است. به عنوان مثال، در «نهضت تفسیر‌گرایی» به آثار «گرنفیلد»^۴ و «پتر ریبینز»^۵؛ در «نهضت نئومارکسیستی و انتقادی» به آثار «جان اسمیت»، «ریچارد بیتس»^۶ و «ویلیام فاستر»^۷؛ در «نهضت فمینیستی» به آثار «پتر میلی»،^۸ «سامیر»^۹؛ در «نهضت پست‌مدرن» به آثار «فنویک انگلیش»؛ در «نهضت انسجام‌گرایی طبیعت‌گرایانه» به آثار «ایورز و لاکومسکی»^{۱۰}، در «نهضت نسبی»^{۱۱} به آثار «اسکات» و همچنین به کتاب‌های فیلسوف برجسته مدیریت آموزشی یعنی «هاجکینسون»^{۱۲} هیچ‌گونه تفاوتی نشده است.

1. Sammons
2. David Hopkins
3. David Reynolds
4. Greenfield
5. Peter Ribbins
6. Bates
7. William Foster
8. Peter Milley
9. Samier
10. Evers & Lakomski
11. Relational
12. Hodgkinson

با وجود کاستی‌های فوق، برخی از فصول کتاب از انسجام و پیوستگی مطلوبی برخوردار هستند. به عنوان مثال، فصل پنجم، اولین فصلی است که در آن شواهد متقن در راستای پاسخ به اهداف کتاب به چشم می‌خورد. از مزایای این فصل این است که به مبنای انتخاب پایان دوره یعنی ۱۹۵۵ اشاره شده است. در فصل ششم، به معیارهای انتخاب کتب، طبقه‌بندی و نقد آن‌ها توجه شده است و تنها فصلی است که مطالب آن در ارتباط با موضوعات فصل قبل تنظیم شده است. از این رو، فصل مذکور دارای عیار متفاوتی نسبت به سایر فصول است. یکی از کاستی‌های کتاب که در فصل آخر (جمع‌بندی) بیش‌تر به چشم می‌خورد، عدم وجود جدولی است که حاوی خلاصه مطالب کتاب باشد (نمونه این کار در انتهای بخش اول مقاله ارائه شده است). به‌طور کلی، در سرتاسر کتاب از جدول و شکل استفاده نشده است که وجود آن می‌توانست در انتقال مطالب تأثیر مثبت داشته باشد.

در نهایت، با وجود یکسان نبودن وزن و کیفیت فصول مختلف کتاب، اما تقدم و تأخر فصول با سیر تحولات نظری مدیریت آموزشی همخوان است؛ به عبارت دیگر، گرچه به برخی از نهضت‌های نظری حوزه مدیریت آموزشی در کتاب اشاره نشده است منتها جایابی مطالب در بین فصول متناسب با روند تحولات نظری حوزه مذکور هست.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش اول اشاره شد، هدف نوشتار حاضر، ارزیابی نقش کتاب در ترسیم چشم‌انداز تاریخی حوزه مدیریت آموزشی در مقیاس جهانی بود. بر این اساس، کتاب با روش نقادانه، مطالعه و استدلال‌ها و شواهد نویسنده در راستای پاسخ به اهداف و پرسش‌های کتاب بررسی شد. در این مسیر به دو نکته توجه شده است. نخست، فهم روال منظم و منطقی بین فصول کتاب؛ و دوم، تناسب معیار نقد با توجه به رویکرد مدنظر نویسندگان کتاب. بر این اساس، به تبعیت از رویکرد نویسندگان، از منظر تاریخی به نقد اثر پرداخته شده و با عینک تاریخ به اثر نگریسته شده است تا مشخص گردد نویسندگان به چه میزان در تحقق اهداف کتاب موفق بوده‌اند؟

کتاب در پاسخ به پرسش نخست (نگاشت تاریخی مدیریت آموزشی از منظر کتب درسی) توانسته بخش‌های قابل توجهی از تاریخ مدیریت آموزشی را روایت کند و با جایابی کتاب‌های درسی این حوزه ذیل نحله‌های نظری به تعلقات پارادایمی هر یک بپردازد، اما باید توجه داشت که با در کنار هم قرار دادن فصول کتاب نمی‌توان به تصویری جامع از حوزه مدیریت آموزشی دست یافت. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد به برخی از آثار برجسته مدیریت آموزشی که ذیل نهضت‌های تفسیرگرایی (انسان‌گرایی)، اصلاحات (اثربخشی)، انتقادی (مارکسیستی، فمینیستی)، پست‌مدرن و ... است، توجه نشده است. به نظر می‌رسد، ریشه این موضوع را باید در حاکمیت رویکرد «آمریکامحوری» و سیطره فلسفه عمل‌گرایی (پراگماتیسم) جستجو کرد که اجازه ظهور پارادایم‌های رقیب را میسر نساخته است.

در پیوند با پرسش دوم (آیا کتب منتشرشده از هماهنگی و هم‌راستایی جهت هدایت مدیریت آموزشی برخوردارند؟) هیچ‌گونه شواهدی دال بر پاسخ به پرسش مذکور در کتاب ملاحظه نشده است. همچنین، در خصوص پرسش سوم (کدام‌یک از آثار بیش‌ترین تأثیر را در مدیریت آموزشی داشته‌اند؟) تنها در فصل سوم به نقش کتاب‌های طبقه‌بندی‌شده «کابری» اشاره شده است. در مجموع، دستاورد مهم کتاب را باید در پاسخ به پرسش اول ارزیابی کرد.

نویسندگان در صفحه ۲۵ افق پیش‌روی حوزه مدیریت آموزشی را حرکت به سوی تجاری‌شدن و موضوعاتی از قبیل «مدیریت کیفیت جامع» و «سازمان یادگیرنده» می‌دانند که این موضوع تقریباً در کلیه کشورها و با تأکید بیشتر در آمریکا صادق بوده است. در حال حاضر، در گستره جهانی تمایل زیادی به انتشار کتاب‌های فلسفی وجود دارد که این موضوع در طول تاریخ مدیریت آموزشی بی‌سابقه بوده است (رسته‌مقدم، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد، علت اصلی این امر، خلأ نقش‌آفرینی فلسفه در حوزه مدیریت آموزشی است. در واقع، مدیریت آموزشی بدون عبور از معبر فلسفه به یک‌باره از سیطره فضای متافیزیکی (الهیات و دین) رها شده و به دامان جریان علمی (بخوانید: پوزیتویسم هم از نوع «تیلوریسم» و هم از

نوع «نهضت نظریه» غلطیده است و اکنون از طریق رجعت به موضوعات فلسفی درصدد برطرف نمودن این کاستی است.

یکی از نکات مهم دیگری که در پیوند با وضعیت آینده مدیریت آموزشی به آن اشاره شده است، وضعیت استادان مدیریت آموزشی در دو دهه آخر قرن بیستم است. به باور نویسندگان، استادان این حوزه افرادی هستند که نه تجربه مدرسه را دارند و نه از آمادگی نگارش کتاب‌های متناسب با مدرسه برخوردارند. این افراد بیش‌تر مایل به نگارش کتاب‌هایی تخصصی در حوزه‌های قانون، سیاست و ... هستند (صفحه ۲۵). این نوع نگاه با شواهد تجربی نیز همخوان و قابل‌پذیرش است. به‌عنوان مثال، (Oplatka (۲۰۱۰) به بررسی رزومه ۶۶ نفر از استادان مدیریت آموزشی در تراز جهانی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد، به خاطر وجود تنوع و کثرت موضوعات پژوهشی به‌سختی می‌توان دلالت‌های معرفت‌شناختی ارزشمندی از پژوهش‌های استادان این حوزه استخراج کرد. به نظر می‌رسد، از آنجائی که مبانی معرفت‌شناسی یکی از موضوعات اصلی فلسفه است، بنابراین، بخشی از این امر را باید در ضعف بنیه فلسفی استادان حوزه مدیریت آموزشی جستجو کرد.

جدای از نقد کتاب که به حد کفایت به آن اشاره شد از منظر دیگری نیز می‌توان به محتوای کتاب نگریست. به‌بیان‌دیگر، با مطالعه کتاب این پرسش به ذهن متبادر می‌گردد که رهاورد کتاب مذکور برای مدیریت آموزشی ایران چیست؟ و پژوهش‌گران داخل کشور چگونه می‌توانند از میراث کتب درسی این حوزه در مقیاس جهانی خوشه‌چینی کنند؟

یکی از مهم‌ترین بارقه‌های کتاب حاضر را می‌توان در تأثیرگذاری سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه بر محتوای کتاب‌های درسی این حوزه دانست. همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشخص است، ظهور مفاهیم مختلف در کتب مدیریت آموزشی، متأثر از گفتمان‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی جامعه آمریکا بوده است.

در ایران نه تنها محتوای کتاب‌های درسی بلکه سیاست‌های آموزشی کشور نیز چندان هماهنگ با سایر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه نیست. به‌عنوان مثال، با وجود تنوع سلاقی سیاسی دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی (میرحسین موسوی، هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد) سیاست‌های آموزشی به لحاظ درون‌داد قانونی و هزینه

اجتماعی در طول پنج برنامه توسعه کشور یکسان بوده است. این امر نشان می‌دهد، سیاست‌های آموزشی در عمل به‌ندرت از رویکردهای سیاسی کلان جامعه متأثر شده‌اند (ساعی و دیگران، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد، ریشه شکست سیاست‌های نوآورانه مدیریت آموزشی در کشور از جمله «مدرسه‌محوری»، «مدارس غیرانتفاعی»، «مهندسی اصلاحات»، «عدالت آموزشی» و «تعالی مدرسه» (بنی‌اسد، حسین‌قلی زاده و امین خندقی، ۱۳۹۶) را باید در ناسازگاری آن‌ها با سایر سیاست‌های کلان کشور جستجو کرد

نکته مهم دیگر این‌که در روند تولید کتب درسی مدیریت آموزشی نوعی حرکت آونگی (پاندولی) بین سطح واقعیت و نظریه وجود دارد. به‌طوری‌که اولین استادان مدیریت آموزشی در آمریکا از مدیران مدرسه بوده‌اند و کتاب‌های اولیه مدیریت آموزشی نیز بر اساس دانش تجربی آن‌ها تدوین شده است. آن‌ها بر پایه تجربه و متناسب با واقعیت سازمان‌های آموزشی به تولید نظریه پرداخته‌اند. این امر نشان می‌دهد، تولید نظریه در حوزه مدیریت آموزشی با ماهیت پشت‌میزنشینی در اتاق‌های دربسته دانشگاه بسیار فاصله دارد. برآیند این نوع تفکرورزی بدون توجه به واقعیت‌های آموزشی، نتیجه‌ای جز آنچه «صمد بهرنگی» در کتاب «کندوکاو تعلیم و تربیت ایران» اشاره کرده است، دربر نخواهد داشت. از این‌رو، توجه به تجربیات مدارس محلی و تاریخی کشور به منظور استخراج الگوهای متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی مورد نیاز است (رسته‌مقدم، ۱۳۹۸).

یکی از نکات مهم در تاریخ مدیریت آموزشی، مشارکت صاحب‌نظران عرصه علوم اجتماعی در توسعه نظری حوزه مذکور بوده که منجر به پدیده «هم‌نویسندگی» شده است. این موضوع در جدول شماره (۲) نیز به خوبی مشخص شده است؛ بنابراین، پژوهشگران مدیریت آموزشی در داخل کشور لازم است به پدیده‌ها و واقعیت‌های مدارس از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری بنگرند و پروژه‌های علمی مشترک بین‌رشته‌ای تعریف کنند.

در مجموع، باید گفت، دیرآهنگی تحول رویکردها و کتب مدیریت آموزشی در ایران نسبت به روند جهانی سبب شده است تا سپهر مفهومی مدیریت آموزشی در کشور (چه در حوزه ترجمه و چه در بخش تألیف) تا حد زیادی در «نهضت نظریه» متوقف بماند. تأمل بر

سرفصل محتوای معدود کتاب‌های تألیفی مدیریت آموزشی در کشور که بیش‌تر آن‌ها با تعریف «نظریه» و با الگوگیری از کتب مشابه انگلیسی نوشته شده‌اند، موید صحت ادعای فوق است. در بخش ترجمه نیز، انتشار تعداد زیادی از کتاب‌های نویسندگانی همچون: «هوی و میسکل»، «آونز»، «گریفیث»، «لانبرگ» و «مارک هنسن» که جملگی به «نهضت نظریه» تعلق دارند، بر این موضوع گواهی می‌دهد. البته، به تازگی، تلاش‌هایی جهت انعکاس سایر نحله‌های فکری مدیریت آموزشی صورت گرفته که حاکی از نوعی چرخش نگاه به خزینه دانشی این حوزه است.^۱

درنهایت، باید ذکر شود که حوزه مدیریت آموزشی در ایران با چالش‌های متعددی روبرو است و یکی از راه‌کارهای رفع چالش‌ها و توسعه نظری مدیریت آموزشی، فراهم نمودن فضای نقد از مجرای فعال‌سازی اجتماعات و نشریات علمی است. از این‌رو، پیشنهاد می‌گردد، سایر کنشگران و نهادهای علمی حوزه مدیریت آموزشی به نقد و بررسی آثار معتبر داخلی و خارجی این حوزه مبادرت ورزند. همچنین، نشریه‌های تخصصی مدیریت آموزشی، بخش‌هایی را به نقد کتب و مقاله‌های معتبر اختصاص دهند.

منابع

الوانی، سید مهدی؛ صباغی، مهرداد. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان مدیریت دولتی ایران در بخش آموزش و پرورش. مجله مدیریت سازمان‌های دولتی. ۶ (۳). ۱۱۴-۹۹.

^۱. به‌عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- گلادیس استایلز جانستون و کرول کمپ ییگی (۱۳۹۶). تحقیق و تفکر در نظریه مدیریت آموزشی. ترجمه سید محمد میرکمالی. تهران: انتشارات بسطرون.
- کریستوفر دی، پم سامونز، کن لایتوود، دیوید هاپکینز، کینگ گیو، النور براون و الپیدا آتاریدو (۱۳۹۶). رهبری آموزشگاهی موفق و پیوند آن با یادگیری و پیشرفت تحصیلی. ترجمه نجمه سلطانی‌نژاد، رضوان صفیان بلداجی و سمیه صلاحی. تهران: دانشگاه فرهنگیان
- تئودور کوالسکی (۱۳۹۵). مطالعات موردی در حوزه مدیریت آموزشی. پوریا فاتحی، محسن پرمر، فرنوش اعلامی، فاطمه محرم‌زاده، جلیل رحمانی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- تامس گرینفیلد و پتر ریبینز (۱۳۹۹). گرینفیلد در مدیریت آموزشی: مدیریت آموزشی به عنوان بک علم انسانی. ترجمه ناصر شیربگی. تهران: انتشارات آثار معاصر

- بابان‌آبادی، فرشته؛ زین‌آبادی، حسن رضا؛ عبدالهی، بیژن. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت یک کتاب مطرح در رشته مدیریت آموزشی از منظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی. «مجموعه مقالات نخستین همایش نقد متون و کتب علوم انسانی» به کوشش کریمی مطهر، جان‌اله؛ خلجی، عباس و محمد بیگی، مهدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۵-۴۷.
- حسینی، سید محمدحسین؛ کشاورزی، سوسن. (۱۳۹۶). نهادینه‌سازی فرهنگ نقد در جامعه علمی با کدام پارادایم یا بنیان علمی: مدرنیسم، پست مدرنیسم، یا آشوب پیچیدگی؟ پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی. ۱۷ (۷)، ۵۳-۲۹.
- حسینی، سیدحسین. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی نقد علوم انسانی (نمونه مورد مطالعه: داوران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی). ۱۷ (۲)، ۵۱-۳۷.
- رسته‌مقدم، آرش (۱۳۹۸). از شکوه شوکتی تا افول دولتی: درس‌آموزی از تجارب مدرسه‌داری شوکتیه بیرجند، فصلنامه مدیریت مدرسه، ۷ (۴)، ۲۶-۱.
- رسته‌مقدم، آرش (۱۳۹۷). چهار اقلیم دانش مدیریت آموزشی، رویکردی تاریخی نگاشتی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت. ۸ (۲)، ۶۵-۴۹.
- رسته‌مقدم، آرش (۱۳۹۶). نگاشت نقشه علم مدیریت آموزشی در سطح جهان بر اساس انتشارات وب او ساینس (WOS) و تبیین آن از دیدگاه خبرگان. رساله دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- رسته‌مقدم، آرش (۱۳۹۵). تأملی بر میراث علمی جهانی رشته مدیریت آموزشی، دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شهید بهشتی. ۹ (۱۶)، ۸۴-۵۱.
- زین‌آبادی، حسن رضا؛ بابان‌آبادی، فرشته. (۱۳۹۶). تأملی بر عوامل و نشانگان کارآمدی و اثربخشی یک کتاب مطرح در رشته مدیریت آموزشی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۱ (۴۰)، ۲۴-۱.
- ساعی، علی، قاراخانی، معصومه و مؤمنی، فرشاد. (۱۳۹۱). دولت و سیاست آموزش در ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی). ۵۶، ۱۱۷-۱۶۸.

عباس‌پور، عباس. (۱۳۹۲). از سپهر نظریه تا حضيض عمل در مدیریت آموزشی: در جست‌وجوی ترسیم سیمای مدیریت در نظام آموزش و پرورش ایران. فصلنامه آموزش در علوم انتظامی، ۱(۲)، ۱-۱۲.

عبداللهی، بیژن. (۱۳۹۲). نظریه جهانی نظارت آموزشی و ارزشیابی عملکرد معلم: نظریه و عمل (جیمز نولان-لیندا ای هوور)، در کتاب «نقد در تراز جهانی» به کوشش سید حسین حسینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صفحات ۳۳۰-۲۹۹.

References

- English, F. W. Lumby, J. Papa, R. Samier, E. & Walker, A. (2009). Best of the best: the most influential international writing in educational administration in the last forty years (Vol. ۱): Sage.
- Oplatka, I. (2010). The professoriate in the field of educational administration. *Journal of Educational Administration*, 48 (3), 392-412.